

جَزْبِی طَهور

تأملی انسان شناسانه بر ابضاح به م تنیدگی حیات طیبہ در نہج البلاغہ

پژوہش و تالیف:

دکتر سید علی سید طاہر الدینی

فهرست

مدخل / ۱۱

فصل اول - حیات طیبه در قرآن / ۲۳

۲۵	مقدمه
۲۶	واژه‌شناسی حیات طیبه
۲۷	حیات
۳۲	تفسیر امام علی (ع) از حیات طیبه
۳۲	حیات دنیایی و زندگانی طیب
۳۴	دعوت قرآن به حیات طیبه
۳۶	تعریف حیات طیبه در اصطلاح قرآن (تعریف اصطلاحی)
۳۹	تعریف حیات طیبه در المیزان
۴۱	راه رسیدن به حیات طیبه (قرآن‌پژوهی)
۴۳	آیات مرتبط
۴۷	چند نکته مهم پیرامون حیات طیبه
۴۹	عالم عندالله
۵۰	ره‌آورد فصل اول

فصل دوم - بحسی در کتب حیات طیبه / ۵۷

۵۹	مقدمه
۶۰	تعریف حیات طیبه در کتب لغت (تعریف لغوی)
۶۳	ارکان حیات طیبه
۶۴	نتایج و ثمرات حیات طیبه
۷۱	ویژگی‌های مهم حیات طیبه
۸۲	صبر؛ زمینه‌ی حضور در عالم عندالله و تحقق حیات طیبه
۸۵	ایمان، معیار حیات طیبه
۸۸	حیات طیبه یعنی حیاتی دور از هرگونه خبانت

فصل سوم - حیات طیبه در نهج‌البلاغه / ۹۱

۹۳	درباره‌ی نهج‌البلاغه
۹۶	کیفیت و کمیت نهج‌البلاغه

موضوع‌شناسی نهج البلاغه.....	۹۶
مفهوم حیات و معنای زندگی از نظر امام علی (ع).....	۹۷
جایگاه حیات طیه در نهج البلاغه.....	۱۰۹
ایجاد حیات.....	۱۱۲
وحدت دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در باب حیات طیه.....	۱۱۴
فصل چهارم - ایضاح و به هم تنیدگی حیات طیه در نهج البلاغه / ۱۱۷	
۱-۱-۱.....	۱۱۹
بررسی سرفه‌های ایضاح.....	۱۲۰
در اصول.....	۱۲۰
ایضاح و تعدی تفسیر.....	۱۲۱
ایضاح در سفسه.....	۱۲۲
ایضاح در حقوق.....	۱۲۵
به هم تنیدگی.....	۱۲۵
به هم تنیدگی حیات طیه.....	۱۲۷
لزوم هماهنگی و به هم تنیدگی در ارزش‌های الی در وجود انسان.....	۱۲۸
ایضاح به هم تنیدگی حیات طیه در نهج البلاغه.....	۱۲۹
فصل پنجم - حیات طیه در پیشگاه اهل بیت و حامیان آن در حکومت اسلامی / ۱۳۳	
سیمای حیات طیه نزد پیشوایان معصوم.....	۱۳۷
فصل ششم - قناعت و عبودیت (تقوا)، دو عامل حیات طیه / ۱۳۹	
بخش اول، قناعت و حیات طیه.....	۱۴۱
قناعت.....	۱۴۱
قناعت در نهج البلاغه.....	۱۴۱
دستور به قناعت.....	۱۴۷
ویژگی‌های قانعان.....	۱۴۸
ارائهی الگو.....	۱۵۰
پیامدهای قناعت.....	۱۵۱
بخش دوم حیات طیه؛ تقوی و تربیت نفس.....	۱۵۴
فصل هفتم - مبانی شناختی و تربیتی حیات طیه / ۱۵۷	

اصطلاح حیات طیبه در قرآن.....	۱۶۱
مؤلفه‌های بستر ساز تحقق حیات طیبه در قرآن.....	۱۶۱
حصول حیات طیبه (ارزش‌های الهی) از راه خودسازی و تربیت نفس.....	۱۶۸
مفهوم‌شناسی تربیت در اندیشه‌ی اسلامی.....	۱۶۹
نمره‌ی تربیت یا همان تقوا و تحقق حیات طیبه.....	۱۷۰
رابطه‌ی تربیت، حیات طیبه و شکوفایی انسان.....	۱۷۵
تربیت و عمل صالح، راز دیگر شکوفایی انسان.....	۱۷۶
اصطلاح حیات طیبه در نهج البلاغه.....	۱۷۹
تقوا و حیات طیبه در نهج البلاغه.....	۱۸۲
جایگاه‌های اخلاسی در عینیت زندگی (در زندگی پاک و حیات طیب).....	۱۸۵
انسان و روح.....	۱۸۵
توجیه ثنویات سانی.....	۱۸۶
وارستگی و روایتی.....	۱۸۶
حق‌مداری و حیات طیبه.....	۱۸۷
جایگاه و اهمیت سیاست، نزاع امام دلی (ع) در حیات طیبه.....	۱۹۰
اهداف و غایت سیاست.....	۱۹۱
آگاهی بخشی و حیات طیبه.....	۱۹۱
بهبود مادی و حیات طیبه.....	۱۹۳
اصلاح فرهنگی و حیات طیبه.....	۱۹۴
غایت سیاست در حیات طیبه.....	۱۹۶
حوزه‌ی نظامی و امور فرماندهی و حیات طیبه.....	۱۹۸
فصل هشتم - ارتباط ابعاد حیات طیبه در نهج بلاغه / ۲۰۱	
بعد فردی حیات طیبه.....	۲۰۳
بعد بین فردی و حیات طیبه.....	۲۰۶
ابعاد حیات طیبه در مقوله‌ی ارتباطات.....	۲۰۹
ابعاد اجتماعی حیات طیبه.....	۲۱۷
«انسان برخوردار از حیات طیبه» در حوزه‌ی فرهنگی.....	۲۱۷
حیات طیبه در حوزه‌ی اقتصادی.....	۲۲۱

۲۲۵.....	حیات طیبه در حوزه‌ی سیاسی
فصل نهم- بررسی عینی بهم تنیدگی حیات طیبه در نهج البلاغه / ۲۴۷	
۲۴۹.....	مقدمه.....
۲۵۴.....	حقیقت حیات طیبه در نهج البلاغه چگونه تبیین شده است؟.....
۲۵۶.....	حقیقت دیگر دستیابی به آثار تقوای الهی.....
۲۶۰.....	ارتباط ابعاد حیات طیبه در نهج البلاغه.....
۲۶۰.....	الف- حوزه حیات طیبه فردی.....
۲۶۴.....	ب)- حوزه حیات طیبه برون فردی.....
۲۶۸.....	ب-سمت تاریخی حوزه‌ی درون فردی و برون فردی.....
۲۷۲.....	حوزه بین اجتماعی در حیات طیبه.....
۲۷۵.....	حوزه‌ی بین اقتصادی در حیات طیبه.....
۲۷۷.....	حوزه‌ی بین سیاسی در حیات طیبه.....
۲۸۳.....	جمع و آخذ.....

مدخل

یکی از ابعاد نظام تربیتی اسلام، اعتدال به حیات طیبه، تعقل و تفکر است. دلیل اساسی این دعوت، ویژگی تکاملی و عقلانی انسان است. انسان خلیفه‌ی خدا در زمین است و از آن‌جا که کمال و بزرگی سالم و بالنده‌ی او به میزان رشد اندیشه‌اش بستگی دارد، می‌بایست از این مرتبت الهی؛ یعنی قوه‌ی تعقل بسیار بهره گیرد.

قرآن و نهج‌البلاغه عقل و خرد انسان را به‌عنوان یکی از منابع معرفت قلمداد نموده و اهمیت و جایگاه فوق‌العاده‌ای به آن می‌سند و مگان را به تفکر در همه‌ی آیات انفسی و آفاقی و تاریخ گذشتگان و... در پی کنش از این رو در قرآن و نهج‌البلاغه عواملی چون علم و تقوی و... از عیار رشد عقل و عواملی چون هوای نفس و امثال آن از موانع رشد آن به‌حساب آمده است. دین اسلام به‌عنوان بارزترین و کامل‌ترین مصداق دین، نه تنها کوچک‌ترین تعارض و تضادی با عقل ندارد؛ بلکه ارزش ویژه و اهمیت فوق‌العاده‌ای برای عقل و خرد آدمی قائل است؛ چراکه از نگاه آیات و نهج‌البلاغه، حیات انسانی،

حیات فکری اوست. از این رو از نگاه قرآن و نهج البلاغه، عقل لازمی معرفت و شناخت و رسیدن به کمال و سعادت ابدی و تحقق حیات طیبه است.

پیام دین، پیام زندگی است و خدای سبحان از طریق پیامبر بزرگوارش همواره مؤمنان را به این زندگی الهی می‌خواند و به انتظار اجابت آنان می‌ماند: «یا ایها الذین امنوا استجیبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم» (انفال/۲۴)

دین خدا دین فرازمانی، فرامکانی، فرا شخصی و فراتاریخی است و قابلیت انطباق و سازگاری و پاسخگویی به شرایط اقلیمی و... را دارد. این دین پاسخگوی همه‌ی انسان‌هاست. پاسخگوی همه‌ی نیازهای استثنائی مشترک مالمؤمه‌ی انسان‌هاست و این امر جز از خدا (خالق انسان) از عهده‌ی کس دیگری بر نمی‌آید. نیازهایی همچون حقیقت‌طلبی، کمال‌جویی، عشق، سعادت، خواص و...

هدایت فقط از خداست. کمال و سعادت انسان تنها به دست خداست. «قل ان هدی الله فلاح و لا یضل الله شیئاً» (مجادله/۱۲۰) هدایت خدا هدایت تبعیضی نیست، فقط بعضی و بخشی از سائنس و انسان‌ها را هدایت نمی‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید: «انسانی که در حیات پاکیزه، جانش به سمت الله حرکت کرد، جاودانه خواهد بود. از ابدیت خاص برخوردار است؛ چون عندالله می‌شود. این حیات طیبه باعث صعود و تکامل انسان می‌شود.»

تأله و ذوب در الهیت خدای سبحان، خصل، تقوّم و اساس هویت انسان است و بر همین اساس خلافت تام الهی بنا می‌شود. بنابراین در وجود آدمی باید آثار الهیت تجلی کند و او را در ارائه‌ی اوصاف، خصل و عملی صحیح، خلیفه‌ی تام خدا سازد.

بنابراین سبک معرفی شده از سوی دین خدا، شیوه‌ی زندگی پاک و معطوف به آخرت است. دین‌داران و مؤمنان از حیات طیب برخوردارند و با اولیای الهی محشور هستند. یعنی با آن‌که در میان مردم عادی زندگی می‌کنند، ولی با آنان نیستند. در این حیات طیب، غم، ترس، اضطراب، حرص، حسد، بخل، آز، کینه، عداوت، جهل و گمراهی راه ندارد. چون این

عالم برتر از زندگی طبیعی است. در دنیای پست سخن مردم از بهتر خوردن و بهره‌های مادی است، ولی در حیات طیب سخن از معارف است.

این بُعد حیات است که قرآن نام آن را حیات طیه خوانده است. این بُعد حیات، آن حیات حقیقی است که همه‌ی پیامبران الهی آن را به مردم تعلیم می‌دهند و آنان را برای برخورداری از چنین حیات، تربیت و تزکیه می‌نمایند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْضُرُ الْمَرْءَ وَقَلْبُهُ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُخْشَرُونَ» (انفال/ ۲۴) این بُعد حیات است که می‌تواند به خدا منسوب و مربوط شود. «قُلْ إِن صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انفال/ ۱۶۲) قطعاً این بُعد حیات است که بر مبنای دلیل من قانع‌نمیسیر و توجیه خواهد بود. «و یحیی من حی عن ینه» (انفال/ ۴۲) این بُعد حیات است که بر مبنای اصل ثابت و قانون پایدار در زندگی دنیوی به جریان می‌آید و نتیجه‌ی مثبت خود را در ابدیت می‌دهد. «يُبَيِّنُ اللَّهُ لَ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الَّ تَنْتَهِى إِلْيَا الدُّنْيَا وَفَى الْآخِرَةِ» (ابراهیم/ ۲۷)

از دیدگاه قرآن، هدف نهایی زندگی، تقرب به خداوند است و هیچ هدفی متعالی‌تر از آن وجود ندارد؛ زیرا تقرب به خداوند سبب رسیدن به همه‌ی کمالات، زیبایی‌ها، لذت‌ها و سعادت ابدی است و این تقرب را با چشیدن طعم حیات طیه و پایدار و فناپذیر در جوار رحمت حق است.

قرآن اسباب تقرب و نزدیک شدن را زیادی زحمت و کشتن فرزندان نمی‌داند، بلکه آنچه به‌عنوان اسباب تقرب و شرایط نزدیکی به خداوند می‌کند، دو چیز است: «ایمان و عمل صالح».

در آیه ۳۷ سوره سبأ این مطلب چنین بیان می‌شود:
«وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالْأَيِّ تُقَرَّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا. أَمْوَال و اولادتان شما را به ما نزدیک نمی‌کند، مگر آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند.»

ایمان به خدا و عمل صالح، زندگی انسان را خدا محور می‌کند و زندگی‌ای که محور اصلی آن خدا باشد، سراسر عبادت است و عبادت موجب کمال و

تقرب به خداوند می‌باشد. همان‌گونه که قرآن در این آیه ایمان و عمل صالح را اسباب تقرب به خدا معرفی می‌کند. در آیه ۹۷ سوره نحل این دو چیز را زمینه‌ی رسیدن به حیات طیبه می‌داند و نیز در سوره عصر، این دو را مایه‌ی نجات انسان از خسران عظیم بیان می‌دارد.

می‌شود چنین نتیجه گرفت که نجات انسان از خسران عظیم و رسیدن به حیات طیبه و تقرب به خداوند، هر سه، ثمره و نتیجه‌ی ایمان به خدا و عمل صالح می‌باشد که لازم است سرلوحه‌ی زندگی انسان قرار گیرد.

زندگی معمولی انسان‌ها همواره با فشارهایی همراه بوده که انسان خود سبب آن است. همه‌ی انسان‌ها در هر موقعیتی که هستند، خواهان آسایش و زندگی مملو از مصلحت و بی‌دغدغه هستند، اما همراه شدن زندگی انسان‌ها با اضطراب و دلخوری‌ها و دلیخوری‌ها، انسان را از هدف زندگی دور ساخته است. زندگی بشری در پی بازلی سخت و پیچیده می‌ماند. حال اگر انسان خود بر این سختی و پیچیدگی بیفزاید، دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند. به‌طور معمول انسان در طول زندگی، پوسته به فردا یا اشتباهایی که در گذشته انجام داده فکر کرده و سعی نمی‌کند در زمان حال زندگی کند. همین موضوع مقدمه‌ی بروز دغدغه‌ها و افسردگی‌ها در زندگی می‌شود. پیامبر اکرم صلی‌الله علیه می‌فرماید: «إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْقُرُونُ، كَذَّبَ عَلَيْكُمُ الْمُظْلِمُ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ». هنگامی که فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تاریک، شما را در خود پیچید، بر شماست که به قرآن تمسک جویند.

این روایت رسول خدا صلی‌الله علیه، انسان را وادار می‌کند که در هنگام مواجهه با فتنه‌ها و سختی‌ها به قرآن پناه ببرد. قرآن بهترین گفتار است؛ چون گفتار خداست و از علم و قدرت بی‌نهایت او سرچشمه یافته است. باید دید قرآن کریم چه راه‌حلی را برای برون‌شدن از این سختی‌ها و رسیدن به سبک زندگی قرآنی بیان کرده است. قرآن که به فرموده امام علی علیه‌السلام خیرخواهی است که هرگز خیانت نمی‌کند؛ (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۷۶) برای

زندگی انسان، اندیشه و سبک ویژه‌ای را مطرح کرده و نام آن را حیات طیه گذاشته تا به واسطه‌ی آن به مقام قرب ربوبی و به مظهریت صفات الهی برسد. قرآن بایدها و نبایدهای بسیاری برای زندگی دارد که رعایت آن‌ها در زندگی از عوامل شکل دهنده‌ی سبک زندگی محسوب می‌شود. در این جا تنها به این موضوع بسنده می‌شود که قرآن برای سبک زندگی، الگوی خاصی را مدنظر دارد (بررسی تک‌تک این بایدها و نبایدها در دستور نیست) و می‌توان از مجموع مباحث اعتقادی، اخلاقی، تاریخی، عبادی و احکامی قرآن به سبک زندگی رسید.

در قرآن زندگی به دو معنای تولد تا مرگ خلاصه نمی‌شود. بلکه زندگی پس از مرگ نیز ادامه دارد: «نَحْنُ أُولَیَّاءُكُمْ فِي الْحَیَوةِ الدُّنْیَا وَ فِی الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِیْهَا مَا تَشْتَهَی اَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِیْهَا مَا تَدْعُونَ» (فصلت/ ۳۱) این نکته‌ی بسیار مهمی است که برگِ رحله‌ی دگرگونی در نظر گرفته شود نه نقطه‌ی پایان. دوره‌ی پس از مرگ و پس از آن، با یکی از حیاتی‌ترین ابعاد زندگی انسان مواجه بوده و آن تربیت است که در پرتو آن انسان به سعادت مطلوب می‌رسد. نوع زندگی، رفتار اخلاقی و حتی خوراک مادر در آن دوران دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و در سبک زندگی فرزند اثرگذار است، اما به‌طور مطلق نمی‌توان آن را در نظر گرفت. بلکه به همان عاملی برای سبک زندگی فرد به شمار می‌آید. این عامل به شکل رشتیکی از انسان و حتی پدر به فرزند منتقل می‌شود. پس سبک زندگی والدین را باید به‌دقت و به‌صورت عملی اثرگذار در سبک زندگی فرزند در نظر گرفت، نه به شکل مطلق. اصل تربیت برای رسیدن به هدف نهایی آفرینش، امری بسیار روشن است.

از نظر قرآن، زندگی دنیایی یا همان مادی و مایمی، اهمیت چندانی ندارد و بازی و سرگرمی دانسته شده که گذرا و کوتاه است. «وَ مَا الْحَیَوةُ الدُّنْیَا اِلاَّ لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةِ خَیْرٌ لِلَّذِیْنَ یَتَّقُونَ اَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انعام/ ۳۲) اما این طور نیست که زندگی دنیا را رها کرده و برنامه‌ای را برای آن طراحی نکرده باشد.